

به اقتدای پیشوای عشق

فرازهایی از سیره و سخنان

پیامبر اکرم (ص)

- سوره احزاب، ۲۱: همانا برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.
- سوره آل عمران، ۳۱: [ای پیامبر] بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.»
- سوره نساء، ۵۹: هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.
- امام حسین(ع)، از پیامبر خدا(ص) روایت نمود: کسی که دینش را از راه تفکر در نعمت‌های خدا، و تدبیر در کتاب او و فهم سنت من به دست آرد، کوه‌ها بجنبند و او از جا نجنبند. و کسی که دینش را از دهان افراد فراگیرد و دنباله‌رو آنان شود، افراد او را به هر سو ببرند و دینش در معرض بزرگ‌ترین زوال است. (گزیده‌ای از سخنان امام حسین(ع)، محمد حکیمی، ص ۴۴)
- پیامبر اکرم(ص): همانا من برانگیخته شده‌ام تا اخلاق‌های نیکو را به کمال رسانم. (میزان‌الحکمه، ص ۱۵۳۱)
- پیامبر اکرم(ص): همانا نزدیک‌ترین شما به من در فردا [ای قیامت] و سزاوارترین شما به شفاعت من، راستگوترین، امانت‌دارترین، خوش اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است. (میزان‌الحکمه، ص ۲۷۹۹)

□ پیامبر اکرم(ص): سوگند به آن که جانم در دست اوست کسی جز شخص مهربان به بهشت نمی‌رود. عرض کردند: «همه ما دل‌رحم و مهربانیم»، فرمود: «نه، مگر آن‌گاه که به عموم مردم مهربانی کنید.» (میزان‌الحکمه، ص ۱۹۹۷)

□ یکی گفت: «خداوندا! مرا و محمد را بیمارز»، پیغمبر(ص) فرمود: «هر آینه آمرزش وسیع خداوند را از مردم باز داشتی.» (خاتم‌النبیین، سید علی کمالی، انتشارات اسوه، ص ۲۲۵)

□ هنگامی پیامبر اکرم(ص) در تشییع جنازه‌ی یکی از یهودیان مدینه شرکت کرد. گروهی از صحابه نیز از آن حضرت تبعیت کردند و در تشییع شرکت نمودند، ولی بالاخره ناخشنودی خود را ابراز داشتند. پیامبر(ص) ایشان را مخاطب قرار داد و پرسید: «آیا این یهودی انسان نبوده است؟» (سیره‌ی نبوی، مصطفی دلشاد تهرانی، انتشارات دریا، ج ۲، ص ۷۸)

□ از امام حسن مجتبی(ع) درباره‌ی سیره رسول خدا(ص) نقل شده است که: «به خدا سوگند آن حضرت(ص) در را بر روی خود نمی‌بست، خود را از دیگران پنهان نمی‌ساخت، صبح و شبی بر او نمی‌گذشت که او را نیابند ... بلکه آن حضرت(ص) در میان مردم و در حضور آنان بود. هر کس مایل بود، می‌توانست او را ملاقات کند.» (سیره‌ی حکومتی پیامبر اسلام(ص)، حسین جوان‌مهر، انتشارات کتاب مبین، ج ۱، ص ۱۰۷)

□ اصحاب صُفّه گروهی از اصحاب رسول خدا(ص) بودند که خانه نداشتند و به روزگار رسول خدا(ص) در مسجد می‌خوابیدند و روزها هم در سایه‌ی آن پناه می‌گرفتند و جایی جز مسجد نداشتند. پیامبر(ص) شب‌ها به هنگام غذا خوردن

آنان را فرا می خواند و گروهی را میان اصحاب خود تقسیم می کرد که با آنها غذا بخورند و گروهی هم با خود پیامبر(ص) غذا می خوردند. (میزان الحکمه، ص ۶۱۹۷)

□ عموی ابورافع بن عمرو غفاری می گوید: زمانی که بچه بودم، به درخت خرمايي که متعلق به انصار بود، سنگ می زدم. پیامبر(ص) آمد. به ایشان گفته شد: «پسر بچه ای به نخل ما سنگ می زنی!» مرا نزد پیامبر(ص) بردند. فرمود: «پسر جان! چرا به نخل، سنگ می زنی؟» گفتم: «خرما می خورم.» فرمود: «به نخل، سنگ نزن؛ ولی از خرماهایی که پای آن ریخته است، بخور.» سپس دستی به سرم کشید و فرمود: «خدایا! شکمش را سیر گردان.» (حکمت نامه ی پیامبر اعظم(ص)، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ج ۸، ص ۲۳)

□ پیامبر اکرم(ص): پنج کار است که تا زنده هستم رهایشان نمی کنم: غذا خوردن روی زمین با بندگان، سوار شدن بر الاغ برهنه، دوشیدن بز با دست خودم، پوشیدن لباس پشمینه و سلام کردن به کودکان، تا این کارها بعد از من سنت شود. (میزان الحکمه، ص ۶۱۹۷)

□ شخصی به ابوذر گفت: «ای ابوذر! مرا به کاری راهنمایی کن که هرگاه بنده آن را انجام دهد، به بهشت می رود.» [ابوذر] گفت: پیامبر خدا فرمود: «ایمان آوردن به خدا.» [سپس ابوذر ادامه داد:] گفتم: «ای پیامبر خدا! آیا همراه ایمان، عملی هم باید باشد؟» فرمود: «از آنچه خدا به شخص روزی کرده است، بخششی کند.» گفتم: «ای پیامبر خدا! اگر نادار بود و چیزی نداشت، چه کند؟» فرمود: «سخن نیک بگوید.» گفتم: «اگر آلکن بود و زبانش یاری نکرد؟» فرمود: «شکست خورده ای را یاری دهد.» گفتم: «اگر ناتوان بود و قدرتی نداشت؟»

فرمود: «برای کسی که کاری بلد نیست، کاری انجام دهد.» گفتم: «اگر خودش کاری بلد نبود؟» پیامبر خدا رو به من کرد و فرمود: «نمی‌خواهی در دوستت، خیری (هنری یا نقطه مثبتی) باقی بگذاری؟» سپس فرمود: «آزارش را به مردم نرساند.» گفتم: «ای پیامبر خدا! همه‌ی این کارها آسان است!» فرمود: «سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، هر بنده‌ای که به یکی از این کارها عمل کند و قصدش رضایت خدا باشد، آن کار در روز قیامت، دست او را می‌گیرد و رهایش نمی‌کند تا اینکه او را به بهشت ببرد.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۸۳)

□ پیامبر اکرم(ص): لبخند زدن تو به روی برادرت صدقه است، امر به معروف تو صدقه است، نهی از منکر تو صدقه است و نشان دادن راه به کسی که راه بلد نیست صدقه است، برداشتن سنگ و خار و استخوان از سر راه صدقه است، خالی کردن آب از دلو خود به دلو برادرت صدقه است. (میزان‌الحکمه، ص ۳۰۴۱)

□ پیامبر اکرم(ص): غذا چون چهار خصلت را داشته باشد، تمام و کامل است: از راه حلال به دست آمده باشد، دست‌های فراوانی به سوی آن دراز شود، با نام خداوند متعال شروع شود، با حمد و شکر او پایان پذیرد. (ترجمه الحیاه، ج ۵، ص ۳۱۷)

□ پیامبر اکرم(ص): بدترین غذا، غذای ولیمه است، افراد سیر به آن دعوت می‌شوند و گرسنگان از آن منع می‌گردند. (میزان‌الحکمه، ص ۳۲۷۵)

□ از رسول خدا(ص) پرسیدند: «کدام طعام خبیث‌تر است؟» فرمود: «آن که بخوری و دیگری [که نمی‌خورد] به تو نگاه کند.» (خاتم‌النبیین، ص ۵۶۳)

□ پیامبر اکرم(ص): از بهترین اعمال در نزد خدا، خنک کردن جگرهای سوخته و سیر کردن شکم‌های گرسنه است. سوگند به آن کس که جان محمد به دست اوست، به من ایمان نیاورده است آن بنده‌ای که سیر بخوابد و برادر (یا همسایه) مسلمانش گرسنه باشد. (ترجمه الحیاه، ج ۵، ص ۳۰۴)

□ پیامبر اکرم(ص) درو کردن و چیدن میوه در شب را مکروه می‌داشت، مبدا فقر محروم شوند. (خاتم النبیین، ص ۱۹۴)

□ ابوذر غفاری می‌گوید: پیامبر(ص) در سایه‌ی کعبه نشسته بود که به نزد او رفتم. تا مرا دید که به سوی او می‌روم، فرمود: «آنان، به پروردگار کعبه سوگند، زیانکارترینند! آنان به پروردگار کعبه سوگند، زیانکارترینند!» پس مرا اندوهی فرا گرفت و به نفس نفس افتادم و با خود گفتم شاید از من کار بدی سر زده است. گفتم: «پدر و مادرم به فدایت، آنان کیانند؟» فرمود: «بیشترین مردم، مگر اینکه اموال را در میان بندگان خدا همین طور و همین طور، و با این دست و آن دست پخش کنند و اندکند این کسان.» (ترجمه الحیاه، ج ۵، ص ۷۰۹)

□ علی(ع) جامه‌ای خرید، از آن خوشش آمد و آن را صدقه داد و فرمود: «از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید: هر که دیگران را بر خود مقدم بدارد، خداوند در روز قیامت، در ورود به بهشت، او را مقدم می‌دارد.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۸۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هر چه را که با چشم خود دیدی و دلت آن را خواست، برای خدا قرار ده، که این است تجارت آخرت؛ که خدای متعال می‌فرماید: «آنچه نزد

شماست، تمام می‌شود، ولی آنچه نزد خداست، ماندنی است» [سوره نحل، ۹۶].

(حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۳۲۷)

□ پیامبر اکرم(ص): بخشنده، به خدا نزدیک است و به بهشت نزدیک است و به

مردم نزدیک است. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۲۰۳)

□ پیامبر اکرم(ص): هرگز خورشید طلوع نکرد، مگر اینکه در دو طرف آن، دو فرشته

گماشته شدند تا با ندایی - که ساکنان زمین، به جز جن و انس، آن را می‌شنوند

- آواز دهند: «ای مردم! به سوی پروردگار خود بیایید؛ زیرا آنچه کم باشد و

کفایت‌کننده، بهتر است از آنچه بسیار باشد و غافل‌کننده»؛ و هرگز خورشید

غروب نکرد، مگر این که در دو پهلوئی آن، دو فرشته آواز دادند: «بار خدایا! انفاق

گر را زود عوض ده و خودداری‌کننده [از انفاق] را زود بی‌چیز گردان.»

(حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۳۲۷)

□ پیامبر اکرم(ص): هر که مال خود را به اختیار، از نیکان دریغ کند، خداوند مالش

را به اجبار، نصیب بدان می‌گرداند. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸،

ص ۳۲۹)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس برادر مسلمانش نیازمند شود که از او وامی بگیرد، ولی

او وامش ندهد، خداوند در آن روزی که نیکوکاران را پاداش می‌دهد، بهشت را بر

وی حرام می‌گرداند. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۴۳)

□ روزی مردی دیرتر [از دیگر اصحاب] به نزد پیامبر خدا آمد. پیامبر(ص) فرمود:

«چرا دیر کردی؟» گفت: «برهنگی باعث شد، ای پیامبر خدا!» فرمود: «آیا

همسایه‌ای نداشتی که دو جامه داشته باشد و یکی را به تو عاریه دهد؟» گفت:

«چرا، ای پیامبر خدا!» فرمود: «او برادر تو نیست.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۵۳)

□ پیامبر اکرم(ص): خداوند در روز قیامت به مردم آبادی‌ای که در آن کسی شب را گرسنه به روز رسانده نگاه نمی‌کند. (ترجمه الحیاه، ج ۴، ص ۵۴۷)

□ پیامبر اکرم(ص): هر که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد از ایشان نیست و هر که فریاد کمک‌خواهی مردی را بشنود و به کمکش نشتابد مسلمان نیست. (میزان‌الحکمه، ص ۲۵۵۵)

□ امام علی(ع): بارها از پیامبر(ص) شنیدم که می‌فرمود: «ملتی که حق ضعیفان را از زورمندان بدون ترس و لرز نستاند هرگز پاک نمی‌شود و روی سعادت نمی‌بیند.» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

□ پیامبر اکرم(ص): محبوب‌ترین دین‌ها نزد خدا آیین حنیف است؛ پس هرگاه دیدی که امت من به ستمگر نمی‌گویند: «تو ستمگری»، بی‌تردید از دست رفته‌اند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۸۱۱)

□ پیامبر اکرم(ص): طاعت و نیکی آن است که جان بدان قرار گیرد و دل به آن آرام یابد و گناه آن چیزی است که جان بدان قرار نگیرد و دل به آن آرام نیابد، هر چند فتوادهندگان خلاف آن را به تو فرمان دهند. (میزان‌الحکمه، ص ۶۷۶۱)

□ امام حسین(ع)، به نقل از رسول خدا(ص) فرمود: هر که فرمان‌راویی ستمگر را ببیند که حرام‌های خدا را حلال می‌شمرد، پیمان خدا را می‌شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می‌کند و در میان بندگان خدا بر اساس گناه و تجاوز رفتار می‌کند، و نه با کردار خود بر او بشورد و نه با گفتار خود، آنگاه بر خداست که

[در روز جزا] او را به همان جایگاهی در آورد که آن ستمگر را در می آورد.
(سیره نبوی، ج ۲، ص ۲۲۶)

□ پیامبر اکرم (ص): به خوبی فرمان دهید، اگرچه خودتان به آن عمل نکنید و از زشت کاری‌ها باز دارید، هر چند خودتان از همه‌ی آنها اجتناب نکنید.
(میزان الحکمه، ص ۳۷۲۱)

□ پیامبر اکرم (ص): چون روز قیامت شود منادی‌ای ندا دهد: کجایند ستمگران و یاران آن‌ها؟ هر کسی که دواتی برای آنان ليقه کرده، یا سر کیسه‌ای را برای آنان بسته، یا قلمی برای آنان در مرگب فرو برده است. پس آنان را نیز با ستمگران محشور کنید. (میزان الحکمه، ص ۳۳۸۱)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس با انجام کاری که خدا را ناخشنود می‌کند فرمانروایی را خشنود سازد، از دین خدای عزوجلّ خارج شده است. (میزان الحکمه، ص ۳۳۳۵)

□ پیامبر اکرم (ص): هرگاه بدکار ستوده شود، عرش می‌لرزد و پروردگار به خشم می‌آید. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم (ص)، ج ۱۴، ص ۳۸۱)

□ پیامبر اکرم (ص): دوست داشتن مدح و ثنای مبالغه‌آمیز، نسبت به دین، کور و کر می‌سازد و خانه‌ها را [از اهلش] خالی می‌کند. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم (ص)، ج ۱۴، ص ۳۷۷)

□ پیامبر اکرم (ص): هر که نزد توانگری رود و از سر چشمداشت به آنچه او دارد در برابرش کرنش کند، دو سوم دینش از بین می‌رود. (میزان الحکمه، ص ۶۸۵۳)

□ پیامبر اکرم (ص): فرو گذاشتن یک لقمه حرام، نزد خدا محبوب تر از خواندن دو هزار رکعت نماز مستحبی است. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۵۵۳)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس حکمرانِ ستمگری را مدح گوید و از سرِ چشمداشت به او، خود را در برابرش کوچک و خوار گرداند، همسفر او به سوی آتش خواهد بود. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۴، ص ۳۸۱)

□ پیامبر اکرم(ص): در دهان مدیحه‌سرایان خاک بپاشید. (خاتم‌النبیین، ص ۸۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس دوست داشته باشد که او نشسته باشد و مردم در برابرش بایستند، جایگاهش در آتش است. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۳۰۷)

□ پیامبر خدا(ص) مشغول طواف خانه خدا بود که بند کفشش پاره شد. مردی بند کفش خود را باز کرد و به ایشان داد. پیامبر(ص) از پذیرفتن آن امتناع ورزید و فرمود: «این، نوعی امتیاز است و من امتیاز را نمی‌پذیرم.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۵۹)

□ مردی را پیش پیامبر(ص) آوردند و گفتند: «این شخص می‌خواسته شما را بکشد.» پیامبر(ص) دستور داد او را رها کنند و با گذشتن از خطای او، قصاص قبل از جرم را مردود دانست و به آن مرد فرمود: «نترس، بر فرض که چنان قصدی هم داشته‌ای، اما بر من که دست نیافته‌ای.» (سیره‌ی حکومتی پیامبر اسلام(ص)، ص ۱۲۷)

□ پیامبر اکرم(ص): روز قیامت بدترین مردم در پیشگاه خدا کسانی هستند که مردم از ترس گزندشان به آن‌ها احترام بگذارند. (میزان‌الحکمه، ص ۲۶۹)

□ پیامبر اکرم(ص): باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه خداوند بدان شما را بر خوبانتان مسلط می‌گرداند و در این صورت نیکانتان دعا می‌کنند ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود. (میزان‌الحکمه، ص ۵۷۰۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هرگونه که باشید همان‌گونه بر شما حکومت می‌شود. (میزان‌الحکمه، ص ۶۸۵۳)

□ پیامبر اکرم(ص): بدانید که آسیاب اسلام، به چرخش در آمده است. پس شما بر محور کتاب خدا بچرخید، هر جا که چرخید. بدانید که قرآن و سلطان، به زودی از یکدیگر جدا می‌شوند، ولی شما از قرآن جدا نشوید. بدانید که به زودی امیرانی بر شما حاکم خواهند شد که آنچه برای خود حکم می‌کنند، برای شما حکم نمی‌کنند، و اگر از آنها نافرمانی کنید، شما را می‌کشند و اگر فرمان‌برداری کنید، گمراهتان می‌سازند. [گفتند: «ای پیامبر خدا! چه کنیم؟» فرمود:] کاری را که یاران عیسی بن مریم کردند: با ارّه پاره پاره شدند و به صلیب کشیده شدند، اما تسلیم باطل نشدند. مردن در راه طاعت خدا، بهتر از زندگی در معصیت خداست. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۷۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هر آینه گره‌های اسلام یکی‌یکی گشوده خواهد شد و هر گاه گرهی باز شود مردم به گره بعدی آن خواهند پرداخت. اولین گرهی که باز می‌شود زیر پا گذاشتن داوری عادلانه است و آخرین آن نماز. (میزان‌الحکمه، ص ۲۵۵۵)

□ پس از جنگ بدر، پیامبر(ص) فرمان داد تا غنیمت‌ها به‌طور مساوی میان مردم تقسیم شود. سعد بن ابی وقاص گفت: «ای رسول خدا، آیا به سواران که

نگاهبانان و حامیان مردمند به اندازه ناتوانان سهم می‌دهی؟» پس پیامبر(ص) فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند! مگر شما جز به برکت ناتوانان پیروز می‌شوید؟» (سیره‌ی نبوی، ج ۲، ص ۳۷۵)

□ پیامبر اکرم(ص): خدا را به یاد فرمانروایان امتم پس از خود می‌آورم ... او از آنان می‌خواهم که [در خانه‌ی خود را به روی مردم مبنندند که در این صورت قدرتمندان و توانگران ایشان، ضعیفانشان را خواهند خورد! (ترجمه الحیاه، ج ۳، ص ۵۲۲)

□ پیامبر اکرم(ص): همانا پیشینیان شما هلاک شدند، زیرا اگر بزرگی از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌کردند و چون ضعیفی دزدی می‌کرد بر وی حد جاری می‌ساختند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۰۴۹)

□ پیامبر(ص) مردی از بنی اسد را مأمور جمع آوری زکات کرد. چون اموال زکات را آورد، گفت: «این برای شماست، و این هم به خود من هدیه شده است.» پیامبر(ص) بر منبر ایستاد ... و پس از حمد و ثنای خداوند، فرمود: «چه شده است که کارگزار را می‌فرستیم و وقتی می‌آید، می‌گوید: این، از آن توست و این، از آن من؟! چرا در خانه‌ی پدر و مادرش نمی‌نشیند تا ببیند آیا باز هم برای او هدیه می‌آورند یا نه؟! سوگند به آن که جان من در دست اوست، [آن کارگزار] هیچ چیز بر نمی‌دارد، مگر این که روز قیامت، آن را بر دوش خود خواهد کشید.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۳۷۱)

□ پیامبر اکرم(ص): هدایایی که به کارگزاران پیشکش می‌شود، خیانت است. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۳۷۱)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس برای برادر خود وساطتی بکند و او به خاطر آن وساطت، برایش هدیه‌ای ببرد و او آن هدیه را بپذیرد، هر آینه به در بزرگی از درهای ربا وارد شده است. (میزان الحکمه، ص ۶۶۴۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هدیه بر سه گونه است: هدیه جبرانی، هدیه رشوه‌ای او تملق آمیز، و هدیه به خاطر خداوند عزوجل. (میزان الحکمه، ص ۶۶۵۱)

□ پیامبر اکرم(ص): ایمان هیچ بنده‌ای درست نشود، تا آنکه دلش درست شود و دلش درست نشود، تا آنکه زبانش درست شود. (میزان الحکمه، ص ۵۳۱۳)

□ پیامبر اکرم(ص): کسی که گفتارش را از کردارش به شمار نیاورد، گناهانش بسیار می‌شود و عذابش حاضر می‌گردد. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۴، ص ۳۲۹)

□ پیامبر اکرم(ص): آدمی زاده را همین گناه بس که با آبروی برادر مسلمانش بازی کند. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۵۳۷)

□ پیامبر اکرم(ص): برای دروغ‌گویی آدمی، همین بس که هر چه می‌شنود، بازگو کند. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۴، ص ۳۲۹)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس بر ضدّ فرد مسلمانی یا کافری ذمی و یا هر کس دیگری از مردم، شهادت دروغ دهد، در روز قیامت، به زبانش آویزان می‌شود و با منافقان، در طبقه‌ی زیرین دوزخ جای می‌گیرد. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۳۷)

□ پیامبر اکرم(ص): هان! هر کس خبر کار زشتی را بشنود و آن را افشا سازد، همانند کسی است که مرتکب آن شده است و هر کس عمل نیکی را بشنود و آن

را در بین مردم شایع کند، همانند کسی است که آن را انجام داده است.
(حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۴۱)

□ پیامبر اکرم(ص): ای جماعتی که به زبان اسلام آورده‌اید و به دل، اسلام نیاورده‌اید! در جستجوی لغزش‌های مسلمانان نباشید، که هر کس لغزش‌های مسلمانان را پی‌جویی کند، خداوند لغزش او را پی می‌گیرد و هر کس که خداوند عیب‌جویی او کند، رسوایش می‌سازد. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۵۳۷)

□ وقتی دزدی را دستگیر کرده و به حضور پیامبر آوردند، شاهدی آمد و چنین شهادت داد که: «من او را دیدم که این چیز را می‌دزدید.» حضرت فرمود: «چرا نمی‌گویی او را دیدم که این چیز را بر می‌داشت؟» (راه محمد(ص)، سید رضا صدر، انتشارات بوستان کتاب قم، ص ۴۸۶)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس از برادر خود نزد سلطانی سعایت کند، چنانچه از آن سلطان، به او ناراحتی یا گزند نرسد، خداوند عزوجل همه‌ی اعمال [نیک] آن سعایت‌کننده را بر باد می‌دهد؛ اما اگر گزند یا ناراحتی و یا آزاری از سلطان به آن شخص برسد، خداوند آن سعایت‌گر را با هامان (وزیر فرعون) در یک طبقه از دوزخ جای می‌دهد. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۳۹)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس به قصد خشنودی سلطانی، مسلمانی را بترساند، در روز قیامت، او را در غل و زنجیر می‌آورند. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۵۰۵)

□ رسول خدا(ص) «ابا جهم» را برای گرفتن صدقات فرستاده بود، مردی با او مشاجره کرد و ابا جهم در میان درگیری زخمی‌اش ساخت. نزدیکان آن فرد نزد

پیغمبر(ص) آمدند، و تقاضای قصاص کردند. پیغمبر(ص) فرمود: «فلان مقدار پول را به عنوان دیه بگیرید»، قبول نکردند. پیغمبر مبلغ را زیاد کرد تا قبول کردند. به ایشان فرمود: «امشب من خطبه می‌خوانم، و مسلمانان را از رضایت شما آگاه می‌کنم.» گفتند: «خوب است، چنین باشد.» شب هنگام، پیغمبر(ص) به مسلمانان گفت: «این مردم به گرفتن این مال راضی شدند»، اما آنان گفتند: «نه، [راضی نشده‌ایم!]» اصحاب از این کار به خشم آمدند، اما پیغمبر(ص) فرمود: «متعرض ایشان نشوید.» آنگاه ایشان را فراخواند و آن مال را زیاد کرد، و فرمود: «آیا راضی شدید؟» گفتند: «راضی شدیم.» پیغمبر(ص) فرمود: «من مردم را از رضایت شما آگاه می‌کنم.» گفتند: «خوب است.» پیغمبر(ص) بار دیگر مردم را فراهم ساخت، و در حضور ایشان پرسید: «آیا راضی شدید؟» گفتند: «راضی شدیم.» (خاتم النبیین، ص ۱۱۴)

□ «ابورافع» این گونه روایت می‌کند: قریش مرا نزد پیامبر(ص) فرستادند و من در ملاقات با آن حضرت(ص)، تحت تأثیر اسلام قرار گرفتم و تصمیم گرفتم که بمانم و به سوی قریش باز نگردم، لیکن پیامبر(ص) فرمود: «من پیمان خود را نمی‌شکنم و سفیران را نزد خود نگه نمی‌دارم. تو به سوی آنها بازگرد و پس از رسیدن به مکه، اگر به اسلام تمایل داشتی به سوی ما برگرد.» (سیره‌ی حکومتی پیامبر اسلام(ص)، ص ۱۷۶)

□ پیامبر اکرم(ص): حکایت من و قیامت، حکایت مردی است که عده‌ای او را برای خبر یافتن از وضعیت دشمن پیشاپیش روانه کرده‌اند و او [دشمن را می‌بیند و] از ترس اینکه دشمن زودتر از او خود را به مردمش برساند، جامه‌اش را در

می‌آورد و با آن علامت می‌دهد: به شما حمله شده! به شما حمله شده! من هستم! من هستم! (میزان‌الحکمه، ص ۵۳۸۷)

□ پیامبر اکرم(ص): اگر آنچه را من از دنیا می‌دانم، شما هم می‌دانستید، جان‌هایتان از آن آسوده می‌شد. (میزان‌الحکمه، ص ۱۷۲۱)

□ گفته شد: «ای پیامبر خدا! آن اولیای خدا که هیچ بیم و اندوهی به آنان راه ندارد [سوره یونس(ع)، ۶۲]، چه کسانی هستند؟» فرمود: «کسانی که وقتی مردم ظاهر دنیا را دیدند، آنها باطنش را دیدند. از این رو، وقتی مردم به اکنون دنیا اهتمام ورزیدند، آنها به آینده‌اش اهتمام کردند. پس، از دنیا آنچه را که ترسیدند آنان را بمیراند، میراندند، و آنچه را که دانستند به زودی ترکشان خواهد کرد، ترک گفتند. در نتیجه، هیچ چیز دنیا، خود را به آنان عرضه نکرد، مگر اینکه دست رد به سینه آن زدند، و هیچ رفعتی از دنیا در صدد فریب آنان بر نیامد، مگر اینکه آن را پست شمردند.

دنیا در نزد آنان کهنه شده است و آن را نو نمی‌کنند، و در میانشان خراب گشته است و آبادش نمی‌کنند، و در سینه‌هایشان مرده است و زنده‌اش نمی‌کنند؛ بلکه ویرانش می‌کنند و با آن، آخرتشان را می‌سازند، و دنیا را می‌فروشند و با آن، چیزی می‌خرند که برایشان می‌ماند. اهل دنیا را دیدند که بر خاک افتاده‌اند و انواع کیفرها [ای الهی] را چشیده‌اند. از این رو، امنیت را جز در آنچه امید بدان دارند، و ترس را جز در آنچه از احوال دنیا و دنیاپرستان می‌بینند، نمی‌یابند.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۱۷۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هر که نعمت خدای عزوجل را جز در خوردنی و نوشیدنی یا پوشاک نبیند، بی گمان عملش کوتاه و عذابش نزدیک است. (میزان الحکمه، ص ۶۳۶۵)

□ پیامبر اکرم(ص): مبدا به خاطر دلسوزی برای خانواده‌ات، طاعت خدا را واگذاری و به نافرمانی او روی آوری؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «ای مردم! از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که نه پدری می تواند برای فرزندش کاری بکند و نه فرزندى برای پدرش. بی گمان، وعده خدا راست است.» [سوره لقمان، ۳۳] (حکمت نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۱۱)

□ پیامبر اکرم(ص): پشیمان ترین مردمان در روز رستاخیز کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد. (میزان الحکمه، ص ۱۱۹۳)

□ پیامبر اکرم(ص): کودکان را به خاطر پنج چیز دوست می دارم: اول آنکه بسیار می گریند؛ دوم آنکه با خاک بازی می کنند؛ سوم آنکه بدون کینه دشمنی می کنند؛ چهارم آنکه چیزی برای فردا ذخیره نمی کنند؛ پنجم آنکه می سازند و سپس خراب می کنند. (حکمت نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۷، ص ۳۳۳)

□ پیامبر اکرم(ص)، به یکی از اصحاب خود فرمود: «ای بنده‌ی خدا! به خاطر خدا دوست مدار، به خاطر خدا نفرت داشته باش، به خاطر خدا دوستی کن، به خاطر خدا دشمنی ورز، زیرا دوستی خدا جز با این‌ها به دست نیاید و آدمی تا چنین نباشد طعم ایمان را نچشد هر چند نماز و روزه اش بسیار باشد. امروزه دوستی و برادری مردم با یکدیگر بیشتر به خاطر دنیاست، برای دنیا دوستی می کنند و برای دنیا باهم دشمنی می ورزند.» (میزان الحکمه، ص ۳۱۹۴)

□ پیامبر اکرم(ص): خداوند بر فرزند آدم مسلط نکرد مگر کسی را که فرزند آدم از او می‌ترسد، اگر فرزند آدم از کسی جز خدا نمی‌ترسید خداوند جز خود کسی را بر او مسلط نمی‌کرد؛ و فرزند آدم واگذار نشد مگر به کسی که به او امید بسته باشد، اگر فرزند آدم جز به خدا امید نمی‌بست به غیر خدا واگذار نمی‌شد. (میزان الحکمه، ص ۱۵۸۱)

□ پیامبر اکرم(ص): به کسی غیر از خدا تکیه نکن، که خداوند، تو را به همو وا می‌گذارد. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۳۶۵)

□ پیامبر اکرم(ص): روز قیامت به ریاکار ندا می‌شود: «ای نابکار، ای فریبکار، ای ریاکار! عملت بر باد شد و مزدت از بین رفت. برو و مزد خود را از همان بگیر که به خاطر او کار می‌کردی.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۵۹۳)

□ پیامبر اکرم(ص): به زیادی نماز و روزه و حج و احسان و ورد و ذکر شبانه مردم منگرید، بلکه به راستگویی و امانت‌داری آن‌ها توجه کنید. (میزان الحکمه، ص ۲۹۹۷)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس برای خودنمایی و شهرت‌طلبی اطعام کند، خداوند متعال به اندازه‌ی همان طعام، از چرکابه‌ی دوزخ به او می‌خوراند و آن طعام را در شکمش آتش می‌گرداند، تا زمانی که میان مردم داوری کند. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۴۴۱)

□ پیامبر خدا(ص) [در اندرز به ابوذر]: از غذای فاسقان، تناول مکن. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۴، ص ۲۸۵)

□ روز خیبر، عده‌ای از یاران پیامبر(ص) آمدند و گفتند: «فلان کس شهید شد، فلان کس شهید شد، فلان کس شهید شد»، تا آنکه به نام مردی رسیدند و گفتند: «فلانی هم شهید شد.» در این هنگام، پیامبر خدا فرمود: «نه! من او را بدان سبب که بُردی یا عبایی از غنایم را مخفیانه برداشت، در آتش دیدم.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۵۸۷)

□ اسرای جنگ بدر که در اسارت مسلمین بودند هیچ مجبور به پذیرش دین اسلام نشدند. پیامبر(ص) به صحابه دستور داد که از این اسرای مشرک به خوبی پذیرایی کنند و از غذایی که خود می‌خورند به آنها بدهند. آنهایی که اسلام نیاوردند، با پرداخت فدیة یا تعلیم [خواندن و نوشتن به] ده کودک مدینه آزاد شدند. (سیره‌ی حکومتی پیامبر اسلام(ص)، ص ۱۷۲)

□ روزی پیامبر(ص) بر دو مجلس گذشت، یکی مجلس ذکر و دیگری مجلس تعلیم و تعلم. فرمود: «هر دو خوبند، و یکی بهتر است. آنها دعا می‌کنند، اگر [خداوند] بخواهد می‌دهد، و اگر نه منع می‌کند؛ اما اینها یاد می‌دهند و یاد می‌گیرند، اینان بهترند و من برای معلمی مبعوث شده‌ام.» (خاتم‌النَّبیین، ص ۱۷۲)

□ پیامبر اکرم(ص): اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خدای تعالی نزدیکم گرداند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک مباد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۳۳)

□ پیامبر اکرم(ص): هیچ عملی جز با شناخت پذیرفته نشود و هیچ شناختی پذیرفته نیست جز با عمل. (میزان‌الحکمه، ص ۳۵۵۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هرگاه، بدعت‌ها در میان امت‌م ظاهر گشت، عالم باید علمش را آشکار کند و هر کس چنین نکند، لعنت خدا بر او باد! (حکمت‌نامه پیامبر(ص) اعظم، ج ۸، ص ۴۷۷)

□ پیامبر اکرم(ص): در دانش با یکدیگر صادق باشید؛ زیرا خیانت در دانش، بدتر از خیانت در مال است. (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۸، ص ۵۸۳)

□ پیامبر اکرم(ص): ای ابوذر! هر کس از علمی برخوردار شود که او را نگیریاند، سزاوار است که گفته شود از علمی برخوردار شده که سودی برایش ندارد؛ زیرا خداوند عزوجل، دانشمندان را چنین ستوده است: «بی‌گمان، کسانی که پیش از نزول آن (قرآن)، دانش یافته‌اند، چون این کتاب بر آنان خوانده شود، سجده‌کنان به روی در می‌افتند و می‌گویند: منزّه است پروردگار ما، که وعده‌ی پروردگار ما، قطعاً انجام شدنی است. و بر روی زمین می‌افتند و می‌گیرند و بر فروتنی آن‌ها افزوده می‌شود.» [سوره اسراء، ۱۰۹-۱۰۷] (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، ج ۱۴، ص ۵۱۷)

□ حبیب بن حارث نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: «من مردی هستم که زیاد گناه می‌کنم.» فرمود: «توبه کن.» گفت: «ای رسول خدا! توبه می‌کنم و باز هم گناه می‌کنم.» فرمود: «هر وقت گناه کردی توبه کن.» گفت: «ای رسول خدا! در این صورت گناهان من زیاد است.» پیغمبر(ص) فرمود: «عفو خداوند از گناه تو بیشتر است.» (خاتم النبیین، ص ۲۵۶)

□ دندان رسول خدا(ص) در غزه احد به دست مشرکان شکست. خدمتش عرض کردند: «در حق ایشان نفرین کن.» فرمود: «من برای بدبخت کردن فرستاده

نشده‌ام، من برای رحمت بر بشر آمده‌ام تا به سوی حق دعوتشان کنم.» آنگاه در حق مشرکان و دشمنانی که دندان‌ش را شکسته بودند چنین دعا کرد: «بار الهای قوم مرا بیامرز، اینان نمی‌دانند و ناآگاهند.» (راه محمد(ص)، ص ۴۷۷)

□ آنگاه که پیامبر(ص) در روز فتح مکه به قریش استیلا یافت، از خون وحشی - قاتل حمزه - گذشت. هند دختر عتبه - همسر ابوسفیان - که گوش‌ها، زبان و دست‌های حمزه را بریده و قلب و جگرش را دریده و به دندان جویده بود، عفو کرد. عکرمه بن ابی جهل را بخشود. همو که مال زیادی برای از پا درآوردن رسول خدا (ص) خرج کرده بود. هبار بن اسود بن مطلب را بخشود، همان که دخترش زینب را ترسانده و باعث سقط جنین او شده بود. (سیره‌ی حکومتی پیامبر اسلام(ص)، ص ۱۲۲)

□ در روز فتح مکه، یکی از فرماندهان سپاه اسلام، سعد بن عباد بود که پیشاپیش لشکرش حرکت می‌کرد و فریاد می‌زد: «الیوم یوم الملحمه، الیوم تستحل الحرمه، الیوم اذل الله قریشا» «امروز روز خون ریختن است، امروز حرمت و احترامی نگه داشته نمی‌شود. امروز، روزی است که خداوند قریش را ذلیل و خوار ساخت.» مردم مکه از این شعار به وحشت افتاده بودند. چون این سخن به گوش پیامبر(ص) رسید، فرمود: «سعد این سخن را از روی اشتباه گفته، پس این را شعار کنید که: "الیوم یوم المرحمه، الیوم اعز الله قریشا" "امروز روز لطف و رحمت است. امروز روزی است که خداوند قریش را عزت بخشیده است."» (سیره‌ی حکومتی پیامبر اسلام(ص)، ص ۱۲۲)

□ سوره توبه، ۱۲۸: قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.

□ پیامبر اکرم(ص): همانا پروردگار شما را در طول عمرتان نسیم‌هایی است، پس خویشتن را در معرض آن قرار دهید، باشد که نفع‌های از آن نسیم‌ها به شما برسد و زان پس هرگز به شقاوت نیفتید. (میزان‌الحکمه، ص ۲۰۰۷)

□ [از نیایش‌های آن حضرت:] خداوند! با نگاهت که خواب ندارد نگاهبانی‌ام کن، و در پناه استوار خود که سستی نپذیرد بگیرم. از من در گذر، ای پروردگار من. تباه نگردم آنجا که تو امیدم باشی ... (نیایش‌های پیامبر(ص)، محمود مهدوی دامغانی، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ص ۱۲۹)

□ پیامبر اکرم(ص): آدمی با کسی است که دوستش می‌دارد. (میزان‌الحکمه، ص ۹۸۰)

□ [از نیایش‌های آن حضرت:] بار الها! محبت به خودت و محبت به کسانی که تو را دوست دارند و محبت آنچه که مرا به محبت تو نزدیک می‌گرداند، روزیم فرما. (میزان‌الحکمه، ص ۵۳۴۹)